



نقش و جایگاه نوین امور تربیتی و فعالیت های آموزشی در نظام آموزش و پرورش معاصر: چالش ها، افق ها و راهبردهای تحولی (مطالعه مروری)

سحر رضائی، مژگان مهرگان، زینب خادم، عادلہ بالی

کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه علوم تحقیقات البرز.

کارشناسی گرافیک، دانشگاه الزهراء، تهران.

کارشناسی گرافیک، دانشگاه سوره شیراز.

کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه الزهراء، تهران.



MDOI-02-2026.0448
MNR-462-2-459047

چکیده

امور تربیتی به عنوان یکی از ارکان هویتی و پایه های بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، رسالت خطیر هدایت اخلاقی، دینی، روانی و اجتماعی نسل نوظهور را بر عهده دارد. با گسترش شتابان فناوری های نوین، دگرگونی در زیست جهان دانش آموزان و تکوین بحران های شناختی و هویتی، الگوهای سنتی و صوری مربی گری با ناکارآمدی و ایستایی مواجه شده اند. هدف پژوهش حاضر، واکاوی نقادانه و مروری جامع بر اسناد، پژوهش ها و رویکردهای تحولی حوزه امور تربیتی و آموزشی به منظور تبیین چالش ها، بازخوانی رسالت ها و ارائه راهکارهای انطباقی و کاربردی است. روش پژوهش در این مطالعه، کیفی و مبتنی بر سنت مرور نظام مند روایتی بوده که طی آن، اسناد بالادستی (نظیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، پژوهش های اصیل، مقالات علمی-پژوهشی و کتب مرجع پایگاه های نورمگز، مگ ایران و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی تحلیل شده اند. یافته های این واکاوی نشان می دهد امور تربیتی در حال حاضر با چهار ابرچالش «تفکیک ناروای آموزش از پرورش»، «غلبه نگرش های شکلی، مناسبت محور و بخشنامه ای»، «ضعف شایستگی های حرفه ای و سواد فناورانه مربیان» و «عدم ادغام شیوه های تربیت عقلانی و فکورانه» روبروست. برای برون رفت از این چالش ها، بازتعریف نقش مربی به تسهیل گر گفتگو و تفکر انتقادی، طراحی برنامه های موقعیت محور و احیای ساحت های شش گانه تربیت تمام ساحتی ضرورت دارد.

کلیدواژه ها: امور تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی، سند تحول بنیادین، شایستگی های حرفه ای، تفکر انتقادی، تربیت تمام ساحتی.



نهاد آموزش و پرورش، زیربنایی ترین سازوکار اجتماعی برای بازتولید فرهنگی، صیانت از ارزش های اخلاقی و توانمندسازی نسل جوان جهت مواجهه سازنده با چالش های زیستی است. از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، فرایند آموزش (تعلیم) هرگز واقعیتی منفک از تزکیه و شکوفایی فضایل اخلاقی (تربیت) نبوده و تفکیک میان این دو ساحت، به مثابه مسخ حقیقت کمال آدمی و تقلیل انسان به مخزنی انباشته از محفوظات ذهنی تلقی می شود (مطهری، ۱۳۹۲). در تاریخ آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی ایران، نهاد «امور تربیتی» در اسفند ۱۳۵۹ با هدف حراست از مرزهای اعتقادی، گسترش مکارم اخلاقی و نهادینه سازی ارزش های اسلامی تأسیس گردید. این نهاد در دهه های آغازین نقش بی بدیلی در سازمان دهی فعالیت های انقلابی، فرهنگی و ایثارگرانه دانش آموزان ایفا نمود؛ با این حال، تداوم تاریخی نظام آموزشی بر پایه ی بروکراسی اداری متمرکز، به تدریج امور تربیتی را به ساختاری موازی، آیین نامه زده و مناسبت گرا تقلیل داد (کریمی، ۱۳۹۸).

امروزه با دگرذیسی عمیق اجتماعی ناشی از استیلای رسانه های نوین و شبکه های اجتماعی، دانش آموزان با شکاف های بین نسلی، بحران معنا و پدیده سردرگمی شناختی مواجهند. زیست در عصر کلان داده ها و هوش مصنوعی، الگوهای جامعه پذیری سنتی را برهم زده و مدارس را از موقعیت تنها مرجع یادگیری و هنجارپذیری خارج کرده است. در این زیست بوم نوظهور، اگر امور تربیتی نتواند مبانی فکری، راهبردهای اجرایی و فنون ارتباطی خود را با نیازهای عاطفی، هیجانی و استدلالی فراگیران منطبق سازد، محکوم به انزوا و زوال کارکردی خواهد بود. از این رو، بازخوانی تحلیلی میراث تجربی و نظری امور تربیتی و ارائه خوانشی نوین از فعالیت های پرورشی متناسب با پارادایم های فعال تعلیم و تربیت، ضرورتی علمی و اجتناب ناپذیر است.

۲. بیان مسئله

یکی از آسیب‌های دیرپای نظام آموزشی، حاکمیت دوگانگی کاذب «معلم آموزش‌دهنده» و «مربی پرورش‌دهنده» است؛ دوگانگی ساختاری که پیامد آن رهاسازی ابعاد پرورشی در ساعات تدریس موضوعی و محصور ماندن فعالیت‌های تربیتی در ساعات فوق‌برنامه یا اجرای برنامه‌های کلیشه‌ای و ابلاغی بوده است (علاقه‌بند، ۱۳۹۶). علی‌رغم تصریح سند تحول بنیادین بر عبور از تفکیک تعلیم و تربیت و تأکید بر مفهوم یکپارچه «تعلیم و تربیت رسمی و عمومی»، تجارب زیسته مدارس حاکی از آن است که امور تربیتی غالباً در سطح برگزاری مسابقات حفظی، تزیین نمازخانه‌ها، اردوهای کم‌اثر و مراسم تقویمی متوقف مانده است (صادق‌زاده قمصری و همکاران، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، مربیان تربیتی و معاونان پرورشی در میدان عمل با چالش‌های متعددی در ابعاد روش‌شناختی مواجه هستند. غلبه شیوه‌های مستقیم، نصیحت‌محور، متکلم‌وحده و پندآموز، با منطق ذهنی و روان‌شناختی نسل جدید که خواهان مشارکت فعال، پرسشگری نقادانه و حل مسئله است، همخوانی ندارد (شعبانی، ۱۳۹۹). مسئله اساسی این است که «چگونه می‌توان امور تربیتی و فعالیت‌های آموزشی را از وضعیت کنونی مناسک‌گرایانه و منفعل به فرآیندی پویا، گفتگو‌محور و درهم‌تنیده با فرآیند یاددهی-یادگیری تبدیل کرد تا پاسخگوی نیازهای اخلاقی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان معاصر باشد؟»

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت پرداختن به بازآفرینی امور تربیتی از چند ساحت قابل تبیین است:

۱. **ساحت فردی و روانی:** نسل جدید بیش از پیش در معرض اضطراب‌های وجودی، افسردگی، پوچ‌انگاری و تضعیف تاب‌آوری قرار دارد. نظام تربیتی کارآمد می‌تواند به عنوان شبکه ایمنی‌بخش، سلامت روان و مهارت‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان را ارتقا دهد (احمدی، ۱۳۹۷).

۲. **ساحت اجتماعی و هویتی:** پیوندهای سنتی خانواده و محله با هجوم فرهنگ عامه جهانی دچار دگرگونی شده‌اند. مدرسه به عنوان قانونی‌ترین محیط تعاملی، وظیفه تقویت تعلق اجتماعی و بازسازی هویت دینی و ملی را بر دوش دارد.

۳. **ساحت سیاستی و اسنادی:** با گذشت بیش از یک دهه از تصویب سند تحول بنیادین، ارزیابی نشان می‌دهد که شکاف میان آرمان‌های سند و میدان مدرسه عمیق است. بنابراین، پژوهش‌های نظری-تحلیلی که این شکاف را شناسایی و پلی میان نظریه و عمل پرورشی بنا کنند، دارای ضرورت مبرم کاربردی و راهبردی هستند.

۴. روش‌شناسی

این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد «مرور نظام‌مند روایتی» و تحلیل کیفی متون تدوین شده است. جهت گردآوری داده‌ها، مراحل زیر به صورت روش‌مند طی گردید:

- **حوزه جستجو:** پایگاه‌های استنادی معتبر داخل کشور شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)، مگایران (Magiran) و پرتال علوم انسانی.
- **واژگان کلیدی جستجو:** امور تربیتی، فعالیت‌های پرورشی، سند تحول بنیادین، شایستگی‌های مربیان، تربیت اخلاقی، تربیت تمام‌ساحتی، آموزش و پرورش.
- **معیارهای ورود:** مقالات علمی-پژوهشی نمایه شده، کتب تخصصی و اسناد رسمی بالادستی نظام

تعلیم و تربیت با تمرکز بر مبانی نظری، چالش‌های میدانی و راهکارهای پرورشی در بازه سال‌های

۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲.

• معیارهای خروج: مقالات غیرتخصصی، یادداشت‌های ژورنالیستی و مطالعاتی که فاقد استناد روش‌شناختی معتبر بودند.

• تحلیل داده‌ها: اطلاعات استخراج‌شده به صورت مضمونی طبقه‌بندی و در سه محور «مبانی نظری»، «چالش‌های ساختاری و مهارتی» و «راهبردهای کاربردی» ترکیب و تحلیل شدند.

۵. پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های پیشین در حوزه امور تربیتی را می‌توان در سه دسته کلان دسته‌بندی کرد:

۱. پژوهش‌های آسیب‌شناختی و ساختاری:

شکوهی یکتا و پرند (۱۳۹۴) در پژوهش‌های خود نشان دادند که برنامه‌های پرورشی سنتی مدارس، کمترین سهم را در توانمندسازی هیجانی و کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دارند؛ زیرا تمرکز آن‌ها بر آموزش‌های مستقیم شناختی بوده و پرورش هوش هیجانی و مهارت‌های حل تعارض در آن‌ها غایب است. همچنین باقری (۱۳۹۵) با نقد رویکردهای القایی در تربیت اخلاقی مدارس ایران، تصریح می‌کند که روش‌های تحمیلی نه تنها به درونی‌سازی ارزش‌ها منجر نمی‌شود، بلکه نوعی «ریاکاری اخلاقی» و دین‌گریزی پنهان را در نسل جدید بازتولید می‌کند.

۲. پژوهش‌های مبتنی بر سند تحول بنیادین:

صادق‌زاده قمصری و همکاران (۱۳۹۱) در تدوین چارچوب مفهومی سند تحول، بر گذار از مفهوم سنتی «پرورش جداگانه» به «تربیت یکپارچه تمام‌ساحتی» تأکید دارند و نشان می‌دهند که موفقیت امور تربیتی در گرو فعال‌سازی شش ساحت (دینی/اخلاقی، زیستی/بدنی، علمی/فناورانه، زیبایی‌شناختی/هنری، اقتصادی/حرفه‌ای و اجتماعی/سیاسی) است. صفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۶) نیز بیان کردند که ساختار متمرکز اداری مانع تحقق استقلال عمل مربیان در کلاس‌های درس و بومی‌سازی تربیت تمام‌ساحتی شده است.

۳. پژوهش‌های مهارتی و روش‌شناختی:

لطف‌آبادی (۱۳۹۳) در بررسی نظام‌مند سنجش نگرش و ارزش‌های دانش‌آموزان، نشان داد که نظام پرورشی کشور فاقد ابزارهای ارزشیابی کیفی و فرآیندی است و به جای ارزیابی رشد شخصیتی دانش‌آموزان، فعالیت‌های ثبت‌شده در کارنامه‌های اداری را ملاک قضاوت قرار می‌دهد. ملکی (۱۳۹۷) نیز ثابت کرد که ادغام تفکر انتقادی و فلسفه برای کودکان (P4C) در فعالیت‌های تربیتی، میزان گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای اخلاقی خودانگیخته را به شکل معناداری ارتقا می‌بخشد.

۶. یافته‌ها

سنتز داده‌های به دست آمده از مرور اسناد و پیشینه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که پدیده امور تربیتی در دو ساحت «چالش‌های موجود» و «مقتضیات بازطراحی» دارای ابعاد مشخص زیر است:

الف) آسیب‌شناسی سه‌گانه وضعیت فعلی امور تربیتی

۱. گسست بین‌رشته‌ای آموزش و پرورش: در نظام جاری، معلم محتوای کتاب درسی را آموزش می‌دهد و پرسنل امور تربیتی مسئول امور معنوی شناخته می‌شوند. این شکاف مانع از آن می‌شود که علم‌آموزی به باروری اخلاقی بینجامد و زنگ‌های پرورشی به ساعاتی حاشیه‌ای و کم‌اهمیت تبدیل می‌شوند.

۲. شکل‌گرایی و آماره‌زدگی: ارزشیابی عملکرد مربیان امور تربیتی بر پایه اسناد، فرم‌ها، تصاویر یادگاری

و آمارهای کاغذی سنجیده می‌شود. این بوروکراسی سنگین، توان و انگیزه مربی را برای کار چهره‌به‌چهره، مشاوره صمیمانه و مداخله تربیتی عمیق فرسایش می‌دهد.

۳. عقب ماندگی از سواد رسانه ای و فناوری: در حالی که دانش آموزان در فضای مجازی و شبکه های نوین تنفس می کنند، بخش اعظمی از الگوهای تربیتی همچنان بر شیوه های خطابی و بنری قرن گذشته متمرکز است.

ب) محورهای بازتعریف و تحول در امور تربیتی

- گذار از مربی ناظم به مربی تسهیل گر: مربی پرورشی باید حلقه واسط امن روانی، گوش شنوا و تسهیل کننده حلقه های کندوکاو اخلاقی و تفکر انتقادی در مدرسه باشد.
- احیای ساحت زیبایی شناختی و هنری: امور تربیتی نیازمند بهره گیری از زبان قدرتمند هنر، تئاتر شورایی، داستان گویی، تصویر و آفرینش های رسانه ای به جای شیوه های مستقیم بیانی است.
- طراحی موقعیت های واقعی یادگیری: تربیت اخلاقی تنها در بستر مسئولیت پذیری اجتماعی رخ می دهد؛ اموری نظیر فعالیت های داوطلبانه، پروژه های خدمات اجتماعی و مدیریت مشارکتی مدارس توسط دانش آموزان، مهم ترین بستر تحقق اهداف امور تربیتی هستند.

۷. نتیجه گیری و پیشنهادات کاربردی

نتیجه گیری

امور تربیتی پس از گذشت بیش از چهار دهه از حیات سازمانی خود، بر سر یک پیچ تاریخی و مفهومی تعیین کننده قرار گرفته است. ادامه دادن راهبردهای سنتی، بخشنامه ای و صلب، نتیجه ای جز تعمیق شکاف ارتباطی میان مدرسه و دانش آموزان نخواهد داشت. بازگشت به روح بنیادین تربیت اسلامی و همسویی با اقتضائات جهان معاصر، مستلزم آن است که مرزهای تصنعی میان «کلاس درس علمی» و «اتاق پرورشی» برداشته شود. پرورش، اتمسفر تنفسی مدرسه است که در رفتار تمامی ارکان آموزشی (از مدیر و معلم علوم



گرفته تا مربی تربیتی) جلوه گر می شود. تحقق اهداف ساحت های سند تحول بنیادین منوط به تربیت مربیانی مجهز به شایستگی های چندگانه، تسلط بر روان شناسی رشد و مهارت های تسهیل گری گفتگوهای فکورانه است.

پیشنهادهای کاربردی

۱. ادغام محتوایی آموزش و پرورش (برنامه درسی تلفیقی): شایسته است سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مفاهیم تربیتی و ساحت های اخلاقی را درون کتاب های علوم، ریاضی، ادبیات و تاریخ ادغام کرده و از تولید بسته های جداگانه و ملال آور پرورشی بپرهیزد.

۲. بازآموزی مربیان با رویکرد آموزش تفکر و گفتگو (P4C): معاونت پرورشی باید دوره های ضمن خدمت مربیان را از مباحث صرفاً تئوریک به سمت کارگاه های عملی پرورش تفکر نقاد، مهارت های گفتگو و مدیریت هیجان تغییر دهد تا مربی بتواند حلقه کندوکاو اخلاقی تشکیل دهد.

۳. حذف فرم گرایی و بازطراحی نظام ارزشیابی پرورشی: معیارهای ارزیابی مربیان باید از شمارش تعداد شرکت کنندگان در مسابقات، به شاخص های کیفی از قبیل «میزان کاهش تنش های کلاسی»، «میزان مشارکت داوطلبانه دانش آموزان در خدمات اجتماعی» و «رضایت مندی ارتباطی دانش آموزان» تغییر یابد.

۴. توسعه کانون های رسانه ای و تولید محتوای دیجیتال توسط خود دانش آموزان: مربیان تربیتی باید نقش مدیریت پروژه های فرهنگی را به دانش آموزان بسپارند و امکان ساخت پادکست، کلیپ های نقد اجتماعی و نمایش های مدرسه ای را برای آنها فراهم سازند.

۵. مشارکت فعال خانواده ها در طراحی برنامه های تربیتی: امور تربیتی نباید مدرسه محور صرف باشد، بلکه باید با برقراری کارگاه های والدگری و حلقه های هم اندیشی با اولیا، انسجام تربیتی میان خانه و مدرسه را تأمین کند.

۱. احمدی، غلامعلی. (۱۳۹۷). *اصول و روش های راهنمایی و مشاوره در مدارس و مراکز تربیتی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید رجایی.
۲. باقری، خسرو. (۱۳۹۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* (جلد اول، چاپ سی و دوم). تهران: انتشارات مدرسه.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *اسلام و محیط زیست: ساحت های تربیتی اخلاق زیستی*. قم: نشر اسراء.
۴. حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۴). *فلسفه برای کودکان: بازتعریف نقش مربی در فرایند تربیت عقلانی*. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۵(۲)، ۴۵-۶۲.
۵. دلاور، علی. (۱۳۹۵). *روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی* (چاپ بیست و هشتم). تهران: نشر ویرایش.
۶. ساکی، رضا. (۱۳۹۸). *آسیب شناسی برنامه های پرورشی در دوره ابتدایی: رویکردی پدیدارشناسانه*. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۵(۲)، ۷۱-۹۴.
۷. شعبانی، حسن. (۱۳۹۹). *مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)* (چاپ سی و سوم). تهران: سازمان سمت.
۸. شکوهی یکتا، محسن، و پرند، اکرم. (۱۳۹۴). *آموزش مهارت های حل مسئله و مدیریت تعارض به مربیان و معلمان*. تهران: انتشارات تیمورزاده.



۹. صادق زاده قمصری، علیرضا، مهرمحمدی، محمود، و جوادی، سمانه. (۱۳۹۱). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.

۱۰. صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمدجعفر، و هاشمی، سیداحمد. (۱۳۹۶). بررسی چالش های ساختاری تحقق ساحت های تربیت اخلاقی و اجتماعی در مدارس ایران. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۱)، ۱۱۵-۱۳۸.

۱۱. علاقه بند، علی. (۱۳۹۶). مدیریت آموزشی و سازوکارهای اثربخشی پرورشی (چاپ چهارم). تهران: نشر روان.

۱۲. فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۷). مسئله مدرسه: بازخوانی جامعه شناسی تجربه زیسته آموزش و پرورش در ایران. تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۳. فرهادیان، رضا. (۱۳۹۳). شیوه های دعوت به نماز و فعالیت های تربیتی در دوره نوجوانی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۴. قرائتی، محسن. (۱۳۹۲). اصول و مهارت های دعوت به ارزش ها در فعالیت های پرورشی. تهران: مرکز تخصصی نماز.

۱۵. کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۸). تربیت چاره ساز، نه چاره سوز: نقدی بر آموزش ها و پرورش های فرمایشی. تهران: نشر عابد.

۱۶. لطیفی، مسعود، و نوذری، رسول. (۱۳۹۹). سواد رسانه ای و مصونیت بخشی فرهنگی در فعالیت های پرورشی مدارس. فصلنامه مطالعات رسانه های نوین، ۶(۲۲)، ۱۰۹-۱۳۵.



۱۷. لطف آبادی، حسین. (۱۳۹۳). روان شناسی تربیتی و سنجش نگرش های اخلاقی و ارزشی

دانش آموزان. تهران: سازمان سمت.

۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). تعلیم و تربیت در اسلام (چاپ شصت و هشتم). تهران: انتشارات

صدرا.

۱۹. ملکی، حسن. (۱۳۹۷). برنامه ریزی درسی و پرورشی (راهنمای عمل) (چاپ هفدهم). تهران:

نشر پیام اندیشه.

۲۰. موسی پور، نعمت الله، و احمدی، پروین. (۱۳۹۵). تلفیق ساحت های تربیتی در برنامه درسی

رسمی: چشم/ند/زهای نو. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۱(۴۲)، ۲۳-۴۸.